

بادبان ها را باید در کدام جهت برافراشت؟

تقی روزبه



وقتی در سال 88 رژیم مبادرت به تقلب آراء می کرد هرگز بفکرش
خطور نمی کرد که ممکن است روزی با چندقطبی شدن تضادهای درونی اش،
با معضلی بنام رقابت برسرکنترل صندوق ها مواجه شود .
در واقع کانون اصلی جدال در شرایط مشخص کنونی، مهندسی انتخابات
است و این که چه کسی صندوق رأی را کنترل نماید.

خامنه ای وضعیت کشور را در سال ۸۸ به میدانی غبارآلود و زایل
کننده بصیرت تشبیه کرده بود. هم او در نشست اخیر و درونی سه قوه
وضعیت کنونی جمهوری اسلامی را چنین توصیف کرده است: هم چون حرکت
یک تریلی (و یا کامیون) در جاده ای یخ بندان ، مه آلود و
طوفانی که نه می تواند ترمزبکند و نه سبقت بگیرد!

این سخنان درحالی مطرح گردید که خود وی پیشاپیش با عملیاتی کردن
سناریوی مهندسی انتخابات توسط سپاه و اعلام "انتخابات آزاد" به
مثابه رمزفتنه جدید، و گردن کلفت خواندن رفسنجانی از زبان جنتی
در نماجمعه تهران به عنوان کسی که در فتنه ۸۸ مستحق اعدام بود، و
فعال کردن تیم کاندیداتوری موسوم به دو باضافه یک ریاست جمهوری،
مشغول سبقت گرفتن از سایررقبا بود و اولین کسی بود که پیشاپیش
سخن خویش را نقص کرده بود. باین ترتیب توصیف وی در نشست درونی
سران را باید این گونه فهمید که او به دیگران اخطار می دهد که
کناربخشند و راه را برای حرکت تریلی بی ترمزی که او رانندگی اش
را برعهده دارد بازکنند! نگاهی به هدایت این ماشین در چند سال
گذشته نشان می دهد که حرکت در منطقه کور توسط این سکاندار تریلی
نظام کم اتفاق نیفتاده است. از جمله مهم ترین این گونه موارد را
می توان در قبال روند محاصره اقتصادی و تنیده شدن گام به گام
تارها بردست و پای نظام از یکسو و مردم ایران ازسوی دیگرمشاهده
کرد. در حالی که دولت آمریکا سپاه را در لیست سپاه قرارداده بود
و بدنبال شواهد و قرائنی بود که با نشان دادن چنگ اندازی سپاه
درکل اقتصاد و سیاست کشور ، نظرمساعد متحدین اروپائی و ژاپن ... را
به تحریم اقتصادی ایران و بطو ر مشخص پیرامون نفت و مناسبات بانکی

و حمل و نقل در لیست سیاه جلب کند، رژیم ایران از خامنه ای تا رئیس جمهور و سایدولتمردان، از هیچ تلاش زبانی و عملی برای فراهم آوردن دستاویزهای لازم برای پیشبرد آسان تراجماع حول تحریم اقتصادی و تنیدن آسانتر تارها دریغ نکردند. به عنوان مثال گزینش یکی از فرماندهان سرشناس سپاه به منصب وزارت نفت فقط یکی از آن ها بود. انتصابی که سخن گوی روابط عمومی سپاه اعلام کرد ان شاء الله بار دیگر مردم ایران، طعم شیرین و با برکت پیوستن فرماندهان فداکار و ایثارگر خود به مجموعه مدیریتی کشور را خواهند چشید! البته پیش گوئی ایشان و ابعاد فعالیت و خدمات غیرمتعارف و قربتا الی الله سپاه درست از آب در آمده و مردم مدت هاست که این برکات را با پوست و گوشت خود لمس می کنند! اکنون نیز سپرده شدن رسمی مهندسی انتخابات به سپاه ادامه همان نوع خدمات بی غل و غش و غیرمتعارف سپاهیان است. عنوان برازنده "برادران قاچاقچی خودمان" توسط احمدی نژاد احتمالا بیادماندنی ترین جمله قصار وی خواهد بود.

سبقت در جاده لغزنده!

با وجود هشدارهای خامنه ای به رقبا که لال شوید، کور شوید و کنار بکشید، تا تریلی وی بتواند با سهولت بیشتری سبقت بگیرد، اما ظاهراً گوش شنوایی پیدا نمی کند. او می گوید بردن اختلافات به میان مردم و تحریک احساسات آن ها خیانت به نظام و کشور است، اما گویا دیوارها مخاطب وی هستند. چنان که از احمدی نژاد و عسکراولادی تا رفسنجانی همه بر طبل سهم خواهی از قدرت می کوبند. اما آن چه که در این میان مهم است، دهن کجی احمدی نژاد به این فرامین رهبری است. چنان که او نه فقط ماشین خود را برای عبور تریلی رهبری کنار نمی کشد، بلکه بر فشار گاز هم می افزاید. افشاگری وی علیه رؤسای دو قوه و برادران لاریجانی، و حمله حامیان او برای بهم زدن سخنرانی رئیس مجلس در قم و مهم تر از آن مفاد سخنرانی وی در جشن سالگرد ۲۲ بهمن- مهم ترین مراسم رسمی سالانه رژیم- از جمله موارد بارز آن است. در آن مراسم او بار دیگر بر عزم خود مبنی بر مقابله با مهندسی انتخابات و شرکت سلیق گوناگون در آن تأکید کرد. هم چنین به موضوع داغ مذاکره با آمریکا و آمادگی خویش برای گفتگو، علیرغم آن که از اختیارات ویژه رهبری شمرده می شود، پرداخت و سخنانش را با تکرار چندباره شعارزنده باد بهار پایان داد (شعاری که رقبا و مخالفین اش آن را اسم رمز فتنه جدید خوانده اند). او به نواختن این نت نا هم خوان با آهنگ خامنه ای ادامه داده و مدعی است که تا پایان آخرین ساعات مسئولیت قانونی اش به آن ادامه خواهد داد و حتی مدعی است که تاپای جان ناقابلش در خدمت به مردم و اسلام ایستاده است!

اگر این خط و نشان کشیدن ها را در کنار ژست ها و شعارهای پوپولیستی و باصطلاح مستضعف پناهی او، چون چند برابر کردن پول یارانه ها اگر که رقبا بگذارند، یارانه عیدانه، گذاشتن جنگل ها در اختیار گله داران و کشاورزان و استخدام صدها هزار نفر در ماه های پایانی عمر دولت و صدور فرمان اجرای آن - که البته توسط مجلس رد شده است- و در خواست ابطال انتخابات مهندسی شده نظام پزشکی و نظایر آن قرار دهیم، آن گاه ابعاد معضلی به نام دولت احمدی نژاد برای خامنه ای و یا رقبایش در قوای دیگر روشن تر خواهد شد. افشاگری او علیه سران دوقوه و بویژه بهم زدن مراسم سخنرانی علی لاریجانی در قم و پرتاب مهر و تسبیح و نعلین توسط کفن پوشانی که احتمالاً در همکاری با حامیان مصباح یزدی صورت گرفت، مراجع و روحانیت قم را بشدت برافروخته ساخت. بطوری که ضمن دادن هشدار به مقامات نظام خواستار برخورد قاطع با دست اندرکاران این رویداد و معرفی و دستگیری و محکوم ساختن برپاکنندگان این غائله شدند. تحت چنین شرایطی بود که خامنه ای پس از تقریباً دو هفته سکوت به میدان آمد و با غیرقانونی و غیرشرعی و غیراخلاقی عنوان کردن اقدام احمدی نژاد در مجلس و البته همراه انتقاد نرم تر به استیضاح وزیرکار و دفاع اندکی تند رئیس مجلس از خود، در واقع با تغییر سیاست رسمی تاکنونی اش در قبال دولت، آشکارا لب به انتقاد و مذمت آن گشود و تلاش کرد که اوضاع را تحت کنترل خود بگیرد. او اعلام داشت که فعلاً به نصیحت بسنده می کند. اما این عبارت در عین حال نشان دهنده آن است که احتمال برخوردهای شدید تر و چه بسا از نوع سخت افزاری هم منتفی نیست. آن چه که در روند تحولات دیده می شود و در صورت تداوم آن، بنظر می رسد که احتمال آن چه که فرود آرام هواپیمای احمدی نژاد بر باند فرودگاه نامیده می شود و خامنه ای تاکنون بارها بر پایان طبیعی و بدون تنش دوران ریاست جمهوری تأکید کرده است، و حتی در بسیاری موارد با مداخله خود مانع تهاجم رقبای احمدی نژاد به او و از جمله استیضاح و هموار کردن مسیر برکناریش شده است، هر روز ضعیف تر می شود. روندی که موقعیت شخص خامنه ای را نیز به عنوان حامی سرسخت وی و سهمیم در کارنامه احمدی نژاد و حتی مسئول اصلی وضعیت بوجود آمده، سخت آسیب پذیر می کند.

انگیزه های احمدی نژاد از مقابله جوئی و تشدید منازعات را در ماه های پایانی باید قبل از همه در میراث شومی دید که از او بجای گذاشته می شود و می توان از آن به عنوان ویرانه و سرزمین سوخته نام برد؛ کشوری در محاصره سنگین و همه جانبه اقتصادی و تحت شدیدترین فشارهای جهانی، افت تولید و سرمایه گذاری همراه یک

نقدینگی عظیم سرگردان و بورس باز، اقتصادی وارداتی و نیمه ورشکسته و وابسته به نفتی که تولید و صدورش با راه بندان مواجه شده است، و با رشدی نزدیک به صفر درصد و با تورمی سهمگین و شتابان که رتبه کشور را در انتهای لیست کشورهای منطقه (۲۸) و جهان (رتبه ششم ازدارندگان بیشترین تورم) رسانده است، پول ملی سخت بی ارزش شده و با تکانی در بازار دستخوش تب و لرزمی شود. فساد بیدادمی کند. بیکاری و فلاکت و شکاف طبقاتی و ناهنجاری های اجتماعی هم چون طاعونی درحال گسترش است. ابعاد شکست و ناکامی علیرغم درآمدهای نجومی و بی سابقه نفتی در طی سال های اخیر آن چنان عظیم است که هیچ کس حاضر نیست مسئولیت آن را برعهده بگیرد. فرافکنی و انداختن بارسنگین آن بردوش یکدیگر سکه رایج سیاست امروز ایران است. ایجاد گردو خاک و فضای کاذب و تیره برای پوشاندن این گندکاری ها و شکست ها و ناکامی ها، و مقابله با شکستن همه کاسه و کوزه ها برسر صورت خود و اطرافیانش بخصوص پس از پایان ریاست جمهوری، نیازمند داشتن جابائی در ساختار قدرت است. علاوه بر استفاده از امکانات قوه مجریه برای چنین هدفی، برگ برنده دیگر او پرونده هائی است که علیه رقبای خویش در چنته دارد (زمانی او از صدها هزار سند سخن گفته بود). ناگفته نماند که مدت هاست که باندهای قدرت مشغول جمع آوری و پرونده سازی علیه یکدیگر در عرصه های گوناگون و از جمله فساد مالی و شخصی و ... هستند. اگر احمدی نژاد برادر لاریجانی ها را به دام می اندازد، در سوی مقابل علی لاریجانی هم، همانطور که خود نیز گفته است، نشست هائی با برادر احمدی نژاد به عمل آورده و این قصه جمع آوری اسناد و پرونده سازی علیه همدیگر در کل دستگاه حکومت اسلامی سردرازی دارد.

نزاع اصلی برسرکنترل صندوق های رأی است

وقتی در سال ۸۸ رژیم مبادرت به تقلب آراء می کرد هرگز بفکرش خطور نمی کرد که ممکن است روزی با چندقطبی شدن تضادهای درونی اش، با معضلی بنام رقابت برسرکنترل صندوق ها مواجه شود . در واقع کانون اصلی جدال در شرایط مشخص کنونی، مهندسی انتخابات است و این که چه کسی صندوق رأی را کنترل نماید. چنان که علی اکبرولایتی که از کاندیدهای نزدیک به رهبری است و در طراحی نقشه های بارگاه ولایت فقیه مشارکت فعال دارد و از پیش برندگان سودهای خامنه ای است، طی سخنانی دررقم ابرازداشته است: اگر اصول گرایان پیروز انتخابات نباشند، آنهم در همان دور اول، مصیبت خواهیم داشت. منحرفین و فتنه گران در انتخابات آینده جایی نخواهند داشت. چنان که بروشنی دیده می شود نقشه راه و محدوده شرکت کنندگان توسط

بارگاه رهبری به دقت ترسیم شده است و او در این سخنان بطور تلویحی خواهان متحد شدن همه اصول گرایان در زیرخیمه ولی فقیه و کاندیدای مورد نظر وی است. از همین رو کنترل صندوق برای جلوگیری از مصیبت درپیشبرد این نقشه اهمیت کلیدی دارد. گرچه مجلس مصوبه ای را برای بیرون آوردن نسبی انحصار شمارش و کنترل آراء از دست دولت و وزارت کشور تصویب کرده است، اما خود آن ها هم می دانند که دولت هیچگاه این گونه مصوبات را جدی نگرفته است و احمدی نژاد هم بارها به تلویح و یا به صراحت خاطرنشان ساخته است که کنترل قانونی صندوق به عهده وی است و آن را بدست کسی نخواهد سپرد. امری که بیرون کشیدن آن از چنگ دولت-چه از طریق باج دهی و یا چه بسا انجام شبه کودتائی علیه دولت و... بی تردید یکی از پرده های مهم و مهیج سناریوی تنظیم شده "انتخاباتی" در بارولایت خواهد بود.

نگرانی عمده دیگر رژیم سرریز شدن بحران ها به متن جامعه انباشته از نارضایتی، هم چون برخورد چاشنی با بشکه باروت، است. و این در شرایطی است که یکی از مهم ترین انگیزه رقبا در کشاندن دعواها به متن جامعه، یارگیری و بهره گیری از پایگاه اجتماعی رقبائی چون اصلاح طلبان و خاتمی و سبزه ها و یا حامیان رفسنجانی و نظایر آن هست که احتمالاً خود قادر به کاندید شدن و شرکت مستقیم در انتخابات نخواهند بود. مثلاً هدف اصلی انتقادات و اظهارات نافذ و خلاف مواضع رسمی حاکمیت توسط عسکراولادی که از باصطلاح استوانه های اصول گرایان محسوب می شود، مبنی براین که موسوی و کروبی را فتنه گر نمی شناسد و... جز جذب پایگاه حمایتی آن ها در انتخابات و خنثی کردن تاکتیک مشابه حریفی چون احمدی نژاد و... در استفاده از آن نیست. البته خامنه ای بدلیل داشتن جایگاه ممتاز در ساخت قدرت و در میان باندهای قدرت و بی نیازی اش به صندوق رأی، سخت مخالف کشاندن منازعات بالائی ها به میان مردم است که بزعم وی موجب سوء استفاده دشمنان نظام می گردد. اما نگرانی اصلی وی چیزی جز اصابت جرقه به خرمن و شعله ور شدن آتش نهفته در زیرخاکسترنیست (گرچه نباید از نظردورداشت که شرایط کنونی عیناً مشابه ۸۸ نیست و گسترش شعله ها از بالا به میان مردم نیازمند بسترها و کانال ها و سازوکارهای دیگری است). از همین رو تمامی هم و غم واهتمام رژیم در درجه اول صرف ایجاد دیوارحائل و ممانعت ازگشوده شده هرگونه رخنه ای دراین دیوار بین بالائی ها و منازعات اشان و مردم است. و دراین رابطه است که ازهم اکنون با اعلام نوعی حالت فوق العاده، رصد کردن اوضاع و مقابله با هرگونه تحرک و اقدامی که از آن بوی باصطلاح فتنه برخیزد در کنارمهندسی انتخابات به عنوان مهم ترین وظیفه سپاه و

بسیج و نیروهای انتظامی و سایر دستگاه های ریز و درشت ماشین سرکوب است. حمله به روزنامه نگاران و جرم اعلام کردن هرگونه تبلیغ تحریم و تشویق به عدم شرکت در انتخابات و لینک دادن و نحوه کنترل شده منازعات و یا مناظره کاندیدها و داغ نکردن بیش از حد تنورانتخابات و تشدید فضای سرکوب و اعدام و فشاربه زندانیان و فعالین و دهها موارد مشابه، همگی با هدف ایجاد دیوارقطور بین بازیگران صحنه برگزیده و "تماشاچیان" آن سوی دیوار است. با این همه برگزاری همین انتخابات نمایشی هم برای رژیم که در لبه گور و چنبره بحران های چندوجهی و همزمان و گره خورده باهمدیگر قرارگرفته است، به یک امر دشوار و دارای ریسک تبدیل شده و آرامش وی را مختل کرده است. وخامت اوضاع درحدی است که عملا بدلیل شدت تنش های داخلی و گسیخته شدن هم آهنگی درونی ارگان های رژیم و بی افقی، عملا گردش عادی امور رژیم و روند بازتولید اقتدارآن دچاروقفه و گسست و فلجی بویژه در سطح برنامه ریزهای کلان و درازمدت شده است. حتی بودجه های یک ساله نیزافاقه نمی دهد و تنخواه های چندماه تبدیل شده تاچه برسد به برنامه های ۵ ساله و بلندمدت تر. اغراق نخواهد بود اگر بگوئیم که مدتهاست جز روزمرگی و رفع و رجوع کارهای عاجل و جاری و البته به استثنای عرصه های سرکوب و اختناق که با تمامی ظرفیت بکاراست، کارمهمی در عرصه تولید و برنامه ریزی صورت نمی گیرد.

چند قطبی شدن تضادها

گرچه در وضعیت کنونی شاهد چند سره و یاچند قطبی شدن تضادهای درونی حاکمیت از یکسو و بی خاصیت شدن نقش فصل الخطابی ولی فقیه به عنوان سکانداراصلی و هم آهنگ کننده مفصل های نظام ازسوی دیگر هستیم. امری که تداوم آن می تواند کنترل اوضاع را از چنگ رژیم خارج کند. با این همه محتمل است، سیرتشدید بحران و رویدادها این وضعیت چند قطبی و واگرائی را ولو موقتا به سمت نوعی همگرایی در جهت دو قطبی کردن پیرامون انتخابات جهت دهد. تقریبا تمامی باندها و جریانات عمده چه اصول گرایان سنتی و چه رفسنجانی و چه اصلاح طلبان و... در مقابله با احمدی نژاد و آماج قرار دادن آن هم نظرند و در این میان تاکنون این رهبرجمهوری اسلامی بوده است که برای حفظ موازنه قوا و موقعیت آسیب پذیرش بدلیل عملکرد دولت برکشیده و تحت حمایتش، مانع دو قطبی شدن اوضاع بر محور فوق بوده است. اما شتاب رویدادهای اخیر و رفتارهای غیرقابل کنترل احمدی نژاد ظاهرا خامنه ای را مجاب ساخته است که تغییراتی دراین رویکرد خود بدهد و همین مسأله زمینه را برای شکل گیری دوقطبی فوق و نوعی همسوئی و

ائتلاف ضمنی بین رقبای گوناگون احمدی نژاد با همراهی نسبی خامنه ای و البته تحت رهبری وی فراهم ساخته است. البته هنوز از قطعیت چنین چرخشی نمی توان سخن گفت ولی نشانه ها و قرائنی تازه و دال بر آن برآن وجود دارد. سوای موضوع گیری اخیرخامنه ای که مبین فاصله گیری اش از مواضع تاکنونی اش می باشد، دیدار اخیر وی با سه تن از اصلاح طلبان شناخته شده نیز حاکی از همین واقعیت است. گرچه اصلاح طلبان از خاتمی تا عبدالله نوری، و مجیدانصار و لاری یعنی دوتن از دیدارکنندگان با خانه ای، مدتهاست که دلنگران ذوب و نابود شدن نظام هستند و با دور زدن محترمانه موسوی و کروبی، می کوشند که امکان شرکت در انتخابات و ساختاردر قدرت را ولو به طورحاشیه ای پیدا کنند. و برای تعبیرچنین رؤیائی سخت درانتظار رؤیت سیگنال و کورسوی چراغ سبزی از آنسو هستند. بی تردید اشارتی از آن سو کافی است تا اینان با سربدوند. سخنان اخیرعبدالله نوری بخوبی بازتاب دهنده حسرت این نوع کنش گری ولو درحاشیه متن قدرت قرارگرفتن است. رفسنجانی هم تمام نیروی خود را برای لابی گری در بالا و گشودن رهی به دل خامنه ای بکارگرفته است و مدعی است که راهی به جزاین وجود ندارد. در این میان خامنه ای که در مقابل پیچ خطرناکی آن هم درجاده ای سخت لغزنده قرارگرفته است و با تریلی بدون ترمز و ناتوان از سبقت گرفتن، شاید بی میل نباشد ولو بطورتاکتیکی هم شده در چنین شرایط خطیری که نظام در چنبره فشارهای جهانی، بحران همه جانبه اقتصادی، جامعه انباشته از نفرت و نارضایتی عمومی و مهم تر از همه با کسی که از درون- از درون قلعه قدرت- به دروازه خودی گل می زند قرارگرفته ، چشمکی به این حسرت خوردگان ایستاده در پشت درب قدرت بزند. او با کسی مواجه است که در وسط معرکه ای چنین هولناک و در دمدمه پایانی مأموریتش رقص شتری اش گرفته است، و چه بسا با تمهیدات و تهدیدات معمولی نتواند او را به کنارنهادن رقص شتری و فرود آرام ترغیب کند، و نیاز به جراحی باشد. شاید، شاید او بی میل نباشد که در عبور از چنین گردنه پرپیچ و خم، چشمکی به این تشنگان قدرت بزند و پس از طی کردن این گردنه آن ها را هم چنان تشنه و گرسنه نگهدارد.

آری! جاده یخبندان است و هواطوفانی و مه آلود! راننده کامیون نه دید دارد و نه ترمز و نه قدرت سبقت گرفتن! و اصلاح طلبان (راننده شده از قدرت و وابسته به آن) در وانفسای این پیچ خطرناک و نفس گیر، بفکرنجات نظام و تقویت موقعیت ولی فقیه افتاده اند، تا مگر به این تریلی جهت عبور از این گردنه خطرناک و رسیدن به نقطه ای امیدبخش یاری رسانند. و این همه درشرایطی صورت می گیرد که

سکاندار نظام حتی آماده انداختن طعمه ای دندانگیر به سمت آنان نیست! و باین سان است که آن ها می کوشند در فضای غبارآلود به جای نشانه گرفتن قلب نظام، ولی فقیه، و کلیت آن، نقطه دیگری را به مثابه آماجی کاذب در برابر مردم قرار دهند!

در چنین وضعیتی خطوط اصلی تاکتیک اپوزیسیون رادیکال نیز قاعدتا نباید دچار ابهام و سر درگمی باشد:

الف- آماج قراردادن کلیت نظام و در رأس آن دستگاه ولایت فقیه به مثابه قلب تپنده نظام. بستن راه فرا فکنی، و سرشکن کردن همه شکست ها و تباهی ها بردوش همه جناح های رژیم و افشاء رویکرد آن هائی که در عبور از این گردنه نفس گیر، به فکر نجات نظام و سکاندار آن افتاده اند.

ب- تلاش برای یک تحریم همه جانبه و فعال برای به نمایش گذاشتن ابعاد انزوای رژیم پوشالی و هم چون عاملی نیرومند در خدمت تشدید تضادهای درونی رژیم، تقویت مسیر مستقل جنبش و سرنگونی حکومت اسلامی.

ج- در ادامه و تعمیق جنبش اعتراضی و ساختارشکن سال ۸۸، تمرکز بر پیوند مطالبات سیاسی و معیشتی- اقتصادی و گره خوردن جنبش های گوناگون اجتماعی و طبقاتی با یکدیگر برای شکل دادن به صفی متکثر، گسترده و مستقل از جناح های حکومتی و دیگر اقشار بورژوازی و حامیان جهانی آن ها، و برپایه مطالبات فرارونده و تعمیق یا بنده جنبش ضد استبدادی- مطالباتی

کسی چه می داند! چه بسا خیزش احتمالی موج های بلند بحران، متراف با تکانه ها و شروع فصل نبردهای بزرگ باشد و یا دستکم زمینه های عروج چنین امواجی را برای مراحل بعدی فراهم کند. بادبان ها را باید با در نظر گرفتن این احتمال و سمت و سوی طوفان بر افراشت.

۰۱-۱۲-۱۳۹۱ / ۲۰۱۳-۰۲-۱۹

www.taghi-roozbeh.blogspot.com

taghi_roozbeh@yahoo.com